روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۱۶مهر۱۴۰۴ | ۱۵ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | ۸ اکتبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۳۱ | ۸ صفحه | ۱۰هزار تومان

| ۱۱۹۱سال و ۳۷ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4431 | WED.OCT.08, 2025 | ISSN:2008-2886

«وطن امروز» از تبعات رجیستری موبایل‌های لوکس بر بازار ارز گزارش می‌دهد

سیگنال آیفون به ارز

صفحه ۳

بزرگ‌ترین دغدغه این روزهای تیم ملی به انتخاب مهاجم کنار طارمی مربوط می‌شود

آزمونِ جانشین سردار

صفحه ۶

فرمانده نیروی هوافضای سپاه: با ترمیم خسارات وارده، برای مقابله قاطع و سریع با هرگونه تهدید و ماجراجویی دشمن آمادگی کامل داریم

سریع و متفاوت

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» درباره قابلیت‌های جدید توان آفندی ایران نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

تیترهای امروز

بررسی موج کپی کاری شبکه نمایش خانگی ایران از روی سریال‌های عامه‌پسند ترکیه

ترکتازی تُرک‌سازی

■ همپوشانی روایت و تصویر وقتی ایران، استانبولی روایت می‌شود

صفحه ۸

همزمان با دومین سالگرد توفان الاقصی دور نخست مذاکرات برای توقف جنگ غزه در شرم‌الشیخ برگزار شد

حماسه نامیرایی حماس

صفحه ۷

ویژه

«وطن امروز» گزارش می‌دهد معرفی ظرفیت‌های ملی گردشگری به دنیا با ثبت جهانی روستاهای پرجاذبه کشور

آبادی توریسم!

■ ۸ روستای ایران به عنوان نامزد ثبت جهانی به سازمان جهانی گردشگری معرفی شدند

صفحه ۴

از نوبل تا ناپالم

نگاه

هدی محمدی

رژیم صهیونیستی در ۲ سال، از «برنده جایزه صلح نوبل» به «ناقض بی‌سابقه حقوق بشر» در ذهن میلیون‌ها انسان در سراسر جهان تبدیل شد. این یک افت تدریجی نبود؛ یک سقوط ناگهانی بود به ژرف‌ترین لایه‌های بی‌اعتباری در افکار عمومی جهان.

برای جهانی که هنوز تصویر دست دادن اسحاق رابین با یاسر عرفات را روی سکوهای نوبل در ذهن داشت، آنچه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، یک شوک تماشایی بود. اسرائیل که سال‌ها با روایت قربانی‌بودگی از درگیری‌ها با فلسطین و جنگ دوم جهانی، وجوه محافظه‌کارانه و مظلوم در افکار عمومی ساخته بود، ناگهان ماسکش را زمین گذاشت و واقعیتی را عریان کرد که برای بسیاری تازه و برای بعضی‌ها دیرهنگام بود. از آن روز تاکنون چیزی نمانده که خط قرمز باشد و رژیم از آن عبور نکرده باشد: از بمباران بیمارستان‌ها تا کشتار سازمان‌یافته در کمپ‌های پناهجویان، از شلیک به خبرنگاران تا قطع مکرر اینترنت در غزه، از بمب‌های فسفری تا حمله به کاروان‌های امدادی، از نابودی شهر رفح تا محو اردوگاه نُصَیرات. حتی کودکانی که به جای مدرسه، در خرابه‌ها پناه گرفته بودند، هدف بمباران قرار گرفتند.

در همین مدت، ده‌ها کمپین بین‌المللی علیه اسرائیل شکل گرفت. هشتگ‌هایی چون #GazaGenocide #AllEyesOnRafah و #BoycottIsrael به زبان مشترک وجدان‌های بیدار بدل شد. نام‌هایی چون «شیرین ابوعاقله»، «صمود»، «رفح» و «جبالیا» به رمزهای مقاومت و افشاگری بدل شدند و «وائل دحدوح»، خبرنگار باسابقه الجزیره نقطه اوج این رمزها بود؛ مردی که در برابر دوربین‌های زنده ایستاد و خبر شهادت همسفر، فرزندان و نوه‌اش را اعلام کرد و سپس با بازگشتش به کار، ضربه نهایی را به تصویر اسرائیل زد؛ ضربه‌ای که باید به درستی آن را مقاومت صدا بزنیم. وائل، نماد شکست روایت اسرائیل است. در فضای رسانه‌ای، اسرائیل برای نخستین‌بار در تاریخ معاصر، در جبهه افکار عمومی جهان به طور گسترده بازنده شد. تلاش برای ساکت کردن روزنامه‌نگاران، سانسور تصاویر، تهدید کارکنان سازمان ملل و فشار به پلتفرم‌های اجتماعی، نتوانست مانع انتشار روایت‌هایی شود که دنیا از شنیدنش شوکه شد.

اکنون، حتی متحدان سنتی‌اش در اروپا و آمریکا، دیگر بدون لکنت از «لکه ننگ» حرف می‌زنند. روزنامه‌نگاران غربی که پیش‌تر واژه‌هایی چون «دفاع از خود» را در تحلیل‌های‌شان تکرار می‌کردند، حالا از «جنایت جنگی» می‌نویسند.

ادامه در صفحه ۲

نگاهی به تحلیل بنیاد مارشال آلمان از تحولات ریشه‌ای در خاورمیانه و نظم جهانی پس از عملیات توفان‌الاقصی

جهان پس از ۷ اکتبر

یادداشت

ایلیا داودی

عملیات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ متعاقب آن در غزه، نه‌تنها غرب آسیا، بلکه چشم‌انداز ژئوپلیتیک جهان را به شکلی بنیادین دگرگون کرد. از زمان عملیات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ متعاقب آن در غزه، شاهد زنجیره‌ای از رویدادها بوده‌ایم که فراتر از مرزهای منطقه طنین‌انداز شده و بر امنیت جهان، تجارت، چندجانبه‌گرایی و حتی آینده روابط شمال - جنوب تأثیر گذاشته است. در همین راستا، بنیاد مارشال آلمان در مطلبی با عنوان «سایه جهانی بلند ۷ اکتبر»[1] به بررسی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ متعاقب آن در غزه پرداخته. در این مطلب، ۶ محور اصلی تغییرات جهانی مورد بررسی قرار گرفته است که قابل تامل است؛ از فروپاشی توهم «خاورمیانه جدید» و بازگشت مسأله فلسطین به کانون توجه، تا آشکار شدن محدودیت‌های قدرت آمریکا، شکاف فزاینده میان مردم و حاکمان جهان عرب، چالش‌های درونی اسرائیل، بازاندیشی در تمرکز جغرافیایی ریسک‌های تجاری و انرژی و در نهایت، تقویت عاملیت «جنوب جهانی» و زیر سوال رفتن «نظم مبتنی بر قواعد» مورد ادعای غرب. نوشتار پیش رو تلخیصی از این مطلب است.

۱- فروپاشی توهم خاورمیانه جدید و بازگشت مسأله فلسطین

پیش از ۷ اکتبر تصور می‌شد خاورمیانه به سمت نظم یکپارچه‌تر و عادی‌سازی روابط با اسرائیل پیش می‌رود. مذاکرات صلح با عربستان سعودی در چارچوب پیمان آبراهام، از سرگیری روابط دیپلماتیک اسرائیل و ترکیه و پروژه دالان اقتصادی هند – خاورمیانه – اروپا (IMEC) همگی نشانه‌هایی از این روند بود اما حملات حماس و واکنش اسرائیل، این توهم را در هم شکست. خشونت‌ها به دولت‌های عرب یادآوری کرد مساله فلسطین را نمی‌توان بدون هزینه‌های سیاسی داخلی نادیده گرفت و وعده خاورمیانه جدید بر پایه شراکت‌های اقتصادی و امنیتی، شتاب خود را از دست داد. اسرائیل نیز دکترین خود را تغییر داد و از مهار حماس و حزب‌الله به سمت استراتژی تسلط نظامی گسترده در برابر تهدیدات ادراک‌شده، بویژه ایران و متحدانش حرکت کرد. این تغییر، اگرچه در برخی موارد موفقیت تاکتیکی به همراه داشت (مانند ترور ژنرال‌های سپاه پاسداران ایران، تخریب حماس و ضربه به حزب‌الله و حوثی‌ها) اما تصویر منطقه‌ای اسرائیل را تغییر داد و آن را به عنوان یک تهدید امنیتی بالقوه و منبع بی‌ثباتی معرفی کرد.

در نتیجه، کشورهای خلیج فارس استراتژی‌های پوشش ریسک خود را تقویت کرده و ضمن حفظ روابط با واشنگتن، روابط امنیتی خود را متنوع کردند. حملات حوثی‌ها به کشتیرانی دریای سرخ، تجارت جهانی را مختل کرد، مسیرهای حمل‌ونقل را تغییر داد و مصر را از درآمدهای کانال سوئز محروم کرد. این آشفتگی همچنین پروژه IMEC را به تعویق انداخت. به طور خلاصه، ۲ سال اخیر، مساله فلسطین را دوباره به کانون توجه سیاست منطقه‌ای بازگردانده و نشان داده است نادیده گرفتن آن، خطرات قابل توجهی دارد.

۲- محدودیت‌های قدرت آمریکا

عملیات حماس و پیامدهای آن، ایالات متحده را به شکلی چشمگیر به خاورمیانه بازگرداند اما در عین حال، محدودیت‌های قدرت و نفوذ واشنگتن را نیز آشکار کرد. با وجود پیش‌بینی‌ها مبنی بر کاهش تعامل آمریکا در منطقه، واشنگتن با دیپلماسی فعال و تقویت حضور نظامی خود در سراسر شام، دریای سرخ و خلیج فارس، به بحران واکنش نشان داد. حمایت آمریکا از اسرائیل، به رغم انتقادات فزاینده داخلی و بین‌المللی از هزینه‌های انسانی جنگ غزه، ادامه یافت.

با این حال، تحولات پس از عملیات حماس نشان داد قدرت آمریکا محدودیت‌هایی دارد. حملات به حوثی‌ها نتوانست کشتیرانی را به طور کامل به دریای سرخ بازگرداند و حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران نتایج نامعلومی به بار آورد. اگرچه دیپلماسی واشنگتن ممکن است در نهایت به توافق در غزه منجر شود اما این فصل جدید از تعامل آمریکا در خاورمیانه، با فجایع متعددی همراه بود.

۳- شکاف بین رهبران و افکار عمومی عرب

عملیات حماس و جنگ غزه، بیش از آنکه افکار عمومی را تغییر دهد، شکافی خطرناک بین جوامع عرب و رهبران آنها ایجاد کرد. آرمان فلسطین دوباره در مرکز گفتمان منطقه‌ای قرار گرفت اما ناهماهنگی آشکار بین احساسات مردم و سیاست رسمی دولت‌ها درباره مناقشه اسرائیل-فلسطین، بحران مشروعیت در حال ظهوری را ایجاد کرده است. اعراب، سیاست‌های عادی‌سازی و پیمان آبراهام را خیانت می‌دانند و بی‌تفاوتی رژیم‌ها در قبال بحران انسانی غزه، بی‌اعتمادی عمیقی را به وجود آورده است.

این وضعیت، با توجه به گلایه‌های اجتماعی - اقتصادی مشابه بهار عربی ۲۰۱۱، محیط سیاسی ناپایداری ایجاد کرده و شبح بهار عربی دوم را برانگیخته است. جنگ غزه یک علت قدرتمند و پرطنین را فراهم کرده که می‌تواند جمعیت‌ها را به گونه‌ای بسیج کند که بنیادهای نظم منطقه‌ای را به چالش بکشد.

۴- اسرائیل گرفتار ۷ اکتبر و پیامدهای آن

۲ سال پس از عملیات حماس، اسرائیل همچنان بین قدرت نظامی و ضعف سیاسی گرفتار است. این رژیم دشمنان منطقه‌ای خود را تضعیف کرده اما تاکتیک‌های خشن آن در غزه محکومیت جهانی را به دنبال داشته و حتی متحدانی مانند ایالات متحده را به فاصله گرفتن واداشته است.

وضعیت داخلی اسرائیل نیز ناآرام است. اکثر اسرائیلی‌ها خواهان پایان جنگ و آزادی اسرا هستند و بنیامین نتانیاهو را مسؤول طولانی شدن درگیری و استفاده از جنگ برای فرسایش نهادهای دموکراتیک اسرائیل می‌دانند. با این حال، دیدگاه‌های جریان اصلی اسرائیل به طور فزاینده‌ای با نتانیاهو همسو است و ایده کشور مستقل فلسطین را رد می‌کند. این امر منعکس‌کننده تغییر به راست سیاسی و عدم تمایل به تفکر استراتژیک بلندمدت است.

با وجود این، جامعه مدنی اسرائیل انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده و نسل جدیدی از رهبران ممکن است در آینده نقشه سیاسی اسرائیل را تغییر شکل دهند اما این امر مستلزم گفت‌وگو با فلسطینیان و التیام زخم‌های هر ۲ طرف است.

۵- تجارت و ارتباطات؛ بازنگری در تمرکز جغرافیایی ریسک

ناامنی‌های منطقه‌ای پس از ۷ اکتبر، آسیب‌پذیری گلوگاه‌های حیاتی خاورمیانه را به مخاطبان جهانی نشان داد. حملات حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ، تجارت جهانی را مختل کرد، نرخ حمل‌ونقل را افزایش داد و بندر حیفا را به عنوان نقطه ورود اصلی IMEC به مدیترانه، پس از ۷ اکتبر، دچار مشکل و اختلال کرد. آسیب به کابل‌های دریای سرخ نیز ترافیک اینترنت بین آسیا، آفریقا و اروپا را کند و آسیب‌پذیری مسیرهای داده را آشکار کرد.

در نتیجه، آگاهی و عزم ذی‌نفعان جهانی برای تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری، انرژی و داده‌ها و زنجیره‌های ارزش افزایش یافته است. تلاش‌هایی برای ارتقای بندرها، دالان‌های دیجیتال و پیوندهای زمینی جایگزین در حال انجام است. جنگ غزه و شرایط امنیتی منطقه، چالش‌های سختی را برای چنین پروژه‌هایی ایجاد می‌کند اما بحث‌ها درباره تنوع‌بخشی و نزدیکی را احیا کرده است.

۶- مطالبات برای تغییر؛ بازتعریف روابط شمال - جنوب

پاسخ اسرائیل به عملیات حماس، اعتبار نظم مبتنی بر قوانینی را که کشورهای غرب از آن دفاع می‌کنند، تضعیف کرد. پاسخ آنها به جنگ غزه، برای بسیاری از دولت‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، تصورات کاربرد انتخابی قوانین بین‌المللی و حقوق بشر را تقویت کرده و شکاف‌های دیرینه را از طریق لنز تعصب و نقد پسااستعماری دوباره آشکار کرده است.

بسیج بازیگران جنوب جهانی چشمگیر است؛ ابتکاراتی مانند اقدامات آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری، نشان‌دهنده یک تغییر جهانی و گامی به سوی عاملیت جنوب در روابط بین‌الملل است. خواسته‌های رو به رشد برای اصلاحات نهادی در سازمان ملل و نمایندگی گسترده‌تر در شورای امنیت، با این روند همسو است.

با این حال، بحران غزه ۲ اردوگاه شمال و جنوب را ایجاد نکرده است. مواضع جنوب یکسان نیست و در شمال جهانی نیز شکاف‌ها آشکار است. مجمع عمومی اخیر سازمان ملل متحد، گستردگی حمایت از تشکیل کشور فلسطین و تداوم واگرایی‌های سیاسی شدید را نشان داد. برای اکثر کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین و برخی کشورهای غرب، جنگ غزه خواسته‌ها برای یک سیستم چندجانبه فراگیرتر و سازگارتر را تسریع کرده است. برای غرب، ادعای اقتدار اخلاقی بدون مقابله با اتهامات تعصب، دشوارتر شده است. جنگ غزه اهمیت اعتماد را برای اجرای یک نظم مبتنی بر قوانین بی‌طرفانه متبلور کرده است.

پی نوشت

1.The Long Global Shadow of October 7